

تکمیل شماره هارپال ارگان
اتحادیه کمونیستهای ایران

حقیقت

شماره ۱۳۱ ۳ تیر ۱۳۶۰

پیام رئیس جمهور

۳۱ خرداد ۱۳۶۰

بخشهایی از

پیام های ۲۹ خرداد رئیس جمهور

ای رفقا! پیایید متحد شویم!

ای رفقای کارگر! ای رفقای روشنگر! ای برادران و خواهران همملکی که مرا کموسم متعبدید! ای کمونیستهای ایران و آذربایجان! ای رفقای کیلانی و مازندرانی و ترکمن و خراسانی! ای یاران امفیجان و سراسر و کرمان و خوزستان! ای رهروان کرد و هندوستانی و بلوچ و کرمانشاهی و پرولتاریا! یکبار حرف با راستنویسندگان

بیا کنید دست از پراکنده کاری و پراکنده اندیشی، از اشتغال، از خطر سازیها و آشوبی باقیهای گوناگون بکشید و صف را یکی کنید. مردم ایران، یار دیگر در برابر دینداران حسرت زده، جهانپیان و پیکوری چشم ابر در دنیا و شوکران قدیم و جدید آنها ثابت نکنند که پرچم داران راستین قیام، توده های دربند و ملل، ستم دیده، عالم در این برهه از تاریخ استند.

مردم ایران، یار دیگر بهمن و اربسوی بهمنی نومیر و نید تا تکلیف خود را با این شاه نو، رستاخیز نو، مجلس فرمایشی نو، هویداها، نصیریها، ازها ریها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره کنند، بیکره خواهند کرد. سر اربسوی سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان، فرا گرفته و در هر گوشه

این کشور شعله های پراکنده و اربسوی جوانه، مردم زبانه تا تکلیف خود را با این شعله های یکی با یکدیگر خواهند شد. افعیها سرکوب خواهند شد و این خلافت ازها ریها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره خواهند کرد. سر اربسوی سرزمین را هم اکنون التهایی سوزان، فرا گرفته و در هر گوشه

بقیه در صفحه ۲

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند

باز خواهد ستاند

ختم هر اختر چو بنده که در خون میگفت

برق خنمی زد و برگرد و شب خنجر شد

صفحه ۹

نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندرست

شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

انقلاب اسلامی (درمید) فشرشد

روزنامه انقلاب اسلامی که در ۱۶ خرداد توسط... کودتاچی حاکم " توقیف " شد و باره بانام " انقلاب اسلامی (درمید) " در قطع کوچک شروع به انتشار در... مابین اقدام درست و بموقع نویسندگان و کارکنان " انقلاب اسلامی " را استقبال میکنیم و بر این موفقیات آرزو میکنیم. ما بنا به تمهیدی که به آزادی و آزادی خواهی، به مبارزه در راه استقلال و راهی ملی و نیک بخش زحمتکشان ملت بزرگمان داریم، از هرگونه کمکی به " انقلاب اسلامی (درمید) " دریغ نخواهیم ورزید.

« امسال سال خون است »

« بهشتی سرنگون است »

تظاهرات کارگران شهر صنعتی البرز ۲۷/۳/۶۰

پیام به پزشکان ، پزشکیاران و پرستاران کشور

۱۷۷ خائن به خلع بنی صدر رای دادند

نامه سرگشاده استاد علی تهرانی به آقای خمینی

در صفحه ۷

پیام به پزشکان، پزشکیاران و پرستاران کشور

پزشکان، پرستاران، و دانشجویان پزشکی، کادر رکنان شریف بیمارستانهای کشور!

این روزها کار شما زیاد است و با وجود جوانان این کشور، فرزندان پاکبازان ملت محروم و خیانت دیده رادرباستد. اوضاع نادرست که ما شاهدش هستیم، که ما را به این حال حاشی بلای مذوحانه دارندها تا کشت و کشتار و تولید محیط پرور و وحشت در حاکم معجزند. صاحب دیگر بر عجز حکومت محکوم به ناسودی خود سبزیانند و مردم را از اجرای تصمیم نهائییشان منصرف کنند. لیکن اینها کارشان حتی به ما هم نخواهد کشید و عریضه کشیهاشان هیچ تاثیر بر روند کلی اوضاع نخواهد داشت.

حسین ملی عظیمی که امروز در برابر سرکوب شده است. ادا شده انقلاب رشکوه ۱۳۵۷ و در جهت تصحیح آسب مردم ایران بار دیگر با وحدت و اقدام مشترک خویش نشان خواهند داد که دشمنان متکبر ولی تهی مغزشان مشتکی پوشا و طبل توخالی اند و بساطشان

بهم میریزد. لیکن تا آن زمان وظیفه ملی و وجدانی منی برگردن شما پزشکان، پزشکیاران، پرستاران، و دانشجویان شریف بیمارستانهای کشور است که با مردمی که هنر روز در گوشه و کنار کشور همدارنگار گلوله های این احیاگران خلاصت قرون وسطائی قسرار میکشند و با گروهها و شناسر انقلابی نهایت همکاری کنند.

ما به پزشکان، پزشکان، با این پرستاران و کلسه، کارکنان خرافاتمد بیمارستانها، کسب و کاری که در جریان کسب و کسب و کاری ما خواهد بود. اراذل صلح و استه به حرب حاکم در روز شنبه ۳۰ خرداد ماه در تهران به داد زخمی هار، میدند و بسیاری از فرزندان شایع ملت را به تنهایی از جنگال مبارک بلکه خصوصاً از جنگال آدمکشان دستگاه نجات دادند. در رود میفرستیم، و بدون شک این درود و قدرشانی همه مردم و انقلابیون وطن میمانند. اس نمونه کرا بقدرب که کارکنان بیمارستانهای سراسر کشور با ایدان پیروی کنند و بگذارند عریضه جویسان خام اندیش حاکم هر چه میخواهند تهدید کنند و راه رعبابند گیرند. آنها در برابر اتحاد عمل مردم و مساعی

مردم با راهزنان و قذله سندان حاکم حی و حاضرند! درود و آفرین بر آن کمونیستهای که در تظاهرات خونین شنبه ۳۰ خرداد تهران فعالانه و با شجاعت شرکت کردند. شما شیدگموسو نیستیهای واقعی کشور ما در برابر همه آن رفقای که این چنین تهرمانا نه در کنار و پیشاپیش مردم محروم و خیانت دیده خویش و در قلب جوانان انقلابی این کشور حرکت میکنند، سرتعظیم فرود میمانند

مشکل باشد و طبق قرار و آغشای بعضی در میان خود برای مداوای زخمی هیبا و متعلقا نجات آنها از جنگال راهزنان و اراذل به مفسز و استه به حکومت تلاش کنید.

در حال حاضر در چه شرایط سخت و ستمگرانه ای کار میکنید. خصوصاً در مناطق خط جبهه در جنوب و غرب کشور پزشکان و پرستاران شریف ما، که فداکارانه کم خدمت به رزندگان وطن سته اند، با انبساط فشارها، محدودیت ها راهزنان های ردیانه عوامل مردود حرب حاکم رو بپوشند، بطوریکه این او خرد آسودان و اهواز وضع حنان تحیل نا کردنی شده بود که در میان پزشکان، پرستاران و سایر کارکنان بیمارستانها گفتگوها می در ساره اهتمام جریان یافت. لهذا فشار و محدودیت و تهمین و تهدید زیاد است و زیاد تر هم خواهد شد. لیکن اینها همه موقنی است و مظلومه در برابر اتحاد دوهیکاری نشرده. میمانند شاکارکنان بیمارستانها تا با نخواهد آورد.

معدالک در اینجا لازمست چند نکته را به پزشکان، پزشکان، پرستاران و سایر کارکنان عزیز بیمارستانها یادآوری کنیم:

- ۱- در همه جا متحد شوید و رژیم
- ۲- ما را ردیگر تا کید و اصرار می ورزیم که ای رفقای که اگر متحد شوید زنده هزار نسوزون خواهید بود سیاید متحد شویم، در اتحاد تمهیل کنید، همه قدرت و اخذ خویش ما ور بپسندید کنید و بدانید اگر همه سر بپسندید وحدت یافته و تحت فرماندهی واحد قرار گیرید مردم و کمسومیم در ایران هر دو بی سر روزی سزگی بدست خواهند آورد. ما باز تا کید و اصرار میورزیم که

مشکل باشد و طبق قرار و آغشای بعضی در میان خود برای مداوای زخمی هیبا و متعلقا نجات آنها از جنگال راهزنان و اراذل به مفسز و استه به حکومت تلاش کنید.

۲- شیوه های ابتکاری و سازمانها و تشریک صاعی خویش و مراقبت جدی از دزدیده شدن زخمیها و مصدومین مسارزات جاری حاکمه توسط او یا ش حزب الهی، کمیته چیها و ایادی صلح حزب حاکم و مادیهای توده ای - اکثریتی آنها جلوگیری کنید.

۳- در صورت اضطرار در مساجد دار و وسایل دران و احیاناً یزشک یا بر سر راه عنا و گروههای انقلابی که نمیتوانند مستقیماً به بیمارستانها رجوع کنند همگساری و مساعدت کنید.

۴- هماهنگی خود مطلعید اخیراً فرمانهای زبالا، انجمن های مدنیها و اسلامی را تحریک کرده اند تا از ورود زخمی ها و مصدومین انقلابی و مدحرسی جلوگیری غیر انسانی ایستادگی کنید و عاملان حیوان صفت این انجمن های اسلامی را سرجای خود بنشانید.

بهر روزی از آن ملت بزرگ ایران است اتحادیه کمونیستهای ایران ۱۳۶۰/۲/۲۱

ای رفقا...

بقیه از صفحه اول گذشته به مراتب آگاه تر و سریع تر کام بر میدارند و بیشک نقش به مراتب سببتری نسبت به انقلاب سبب ۵۷ ایفاء خواهند کرد. درود و آفرین بر کمسوم نیستیهای تهرمانی که در تمامی صحنه های نبرد خونین کارگران

پیام ۳۱ خرداد رئیس جمهور

مردم مسلمان ایران

همه شما شا هدوتما شا گر نما بیشنا مه غم انگیز ، سراسر دروغ و بیگانه های که در جو ترور و و انت در نخستین مجلس نخستین جمهوری ما بازیگری ، بازیگران عزب جمهوری اجراء میشود ، هستید . این عمل یک ضریه نیست . انهدام جمهوری اسلامی است . مسابقه در دروغ و بیعتان زن و ... حکایت روشنی از سقوط همه جانیه ای است . سقوطی که تنها استقامت یکپارچه شما مردم میتواند راه نجات برای آن باشد .

مردم مسلمان ایران

ما اینکه اینجا نب با رها اما کی خود را برای استعفاء اظهار کرده بودم ، طراحان طرح کوبای خزیده ترجیح دادند " عمل جراحی " نکنند تا مردم را لی کنند رای وسیل و غلاته و خواست آنها ، دیگر هیچگونه اعتباری ندارد . پیداست که از این پس تنها کسانی حق دارند انتخاب بشوند که " فیم " ها معرفی میکنند ، چرا که رای عدم ثبات رئیس جمهوری ، به معنای رای به ناتوانی شما مردم در تشخیص است . معنی رای به عدم کفایت رئیس جمهوری اینست که شما نه در وقت رای دادن بی به کفایت اینجا نب برده اید و نه در این بحال ونیم گسه پیوسته حمایت کرده اید .

مردم مسلمان ایران

دادستانی " انقلاب " دفتر رئیس جمهوری را اشغال کرده است و از حضور کارمندان جلوگیری میکند . همکاران اینجا نب راه را می یابند توقیف میکنند و از سرنوشت آنها خبری نیست .

منزل اقوام نزدیک اینجا نب بدلائل واهی " بازرسی " میشود .

و آنچه در کوچه و خیابان بر سر شما و فرزندان شما می آید و آنچه در دستگاه تبلیغاتی می بینید و می خوانید ، را خود بهتر از اینجا نب میدانید .

اینها همه آشکار میگرداند که سال برآستی سال " قانسون " است . آنچه نمیدانستیم و بسیار دیدار نیستیم اینست که در منطق حاکمان مستبد ، قانون یعنی حکومت چماق و زندان و اعدام .

مردم مسلمان ایران

بسیار نه ای که برای سربریدن رئیس جمهوری تراشیده اند اینست که او با گروههایی ائتلاف کرده است . ائتلاف واقعی همانست که میان وابسته های شرق و غرب واقع شده است و این آتش بنیادکن را بوجود آورده است . اینجا نب بعنوان رئیس جمهوری منتخب عموم مردم ، نمیتوانستم در هیچ ائتلافی وارد شوم و تا این زمان نیز وارد نشده ام و هر چه عنوان میکنند کذب محض است و اگر دیدنی دارند باید پدیدانند خدا از اینگونه بیانه تراشی آنچه برای شوجیه جنایتی بزرگ نسبت به جمهوری نمی گذرد و اگر ائتلاف و وحدتی صورت گرفته است میان اینجا نب با اکثریت قریب به اتفاق مردم مستضعف و مخووم ایران است گسه در همه شهرها و روستاهای کشور گرفتار انواع محرومیتها و تنگنای

سرنوشت میهن خویش هستند .

مردم مسلمان ایران

اینجا نب با کمال صداقت و استقامت به بیاشی سنگین مسئولیت خود را به انجام رساندم ، سرنوشت کشور ، سرنوشت شماست . خود باید آنرا در دست بگیرید . از تهدیدها نترسید ، تهدیدها هر چه بزرگتر ، بیشتر بیانگردست خالی تهدیدکنندگان است . نکنند در تردید و ابهام وقت بگذرانید و زمانی بخود می آید که بسیار دیر شده باشد . اینجا نب با همه آنچه از ظلم در باره ام کرده اند و با همه خرابیها که می آید ، زود و بسیار توانائی نسل امروز مومتم و یقین دارم که ملت ، زود و بسیار زود ، استبداد جدید را هم از پیش پا بر میدارد و انقلاب ادامه می یابد . همه وجود اینجا نب امید به نسل امروز ، به اراده ، به شعور ، به استقامت او است و روزها و هفته های آینده نشان میدهد که این نسل چگونه در برابر استبداد بیان و کودتاگران می ایستد ، در برابر کودتاگرانی می ایستد که خطرهای بزرگ برای موجودیت اسلام و کشور فراهم کرده اند ، و بدانید هر وقت شما مردم بخوا هید به مسئولیتی که شما بر عهده اینجا نب گذاشته اید ، عمل میکنم .

شاد و پیروز باشید

سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰

ابوالحسن بنی صدر

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به

ارتشپان

..... شما خود بمن گزارشهای دادید حاکی از اینکه برای جناحی که با تمام توان میکوشد استبداد سیاهی را به کشور ما تحمیل کند همه کارها بیدگردون گذاشت ارتش تحت فرماندهی بنی صدر پیروز شود . در این سخن نوه امام راست است . شما هم میدانید که راست است . آنها میگفتند خوزستان از دست برود بهتر از اینست که بنی صدر پیروز بشود . همه گونه کارشکنی در کار جنگ انجام گرفت . امروز سیاست در ارتش هروشین خوانده شده است اما شما میدانید که تا وقتی من فرمانده بودم لحظه ای از تحریک سیاسی در ارتش بر ضد فرمانده کل نیروهای مسلح خودداری نمی کردند . شما خود با رها از فعالیتهای حزب جمهوری اسلامی تحت پوشش سازمان سیاسی - ایدئولوژیک بمن شکایت کردید . کارگردانان این حزب هر روز در این و آن پایگاه سخن رانی داشتند

..... داستان کنار زدن من از فرماندهی نیروهای مسلح و زیادت جمهوری داستان تازه ای نیست توطئه ایست گه ایننگ به

پیام رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۳

نتیجه رسیده است. اما آغاز آن، آغاز انتخاب من است بلکه ریاست جمهوری، با اینحال از اوائل خرداد توطئه گران کار را تمام شده میدانستند. بقرار اطلاعاتی که یافتیم، اینها کسدر شورای دفاع میگفتند یکسال دیگر جنگ را ادامه میدهم بسیاری مسائل ماحل میشود و جنگ را تا سرنگونی صدام ادامه میدهم، هرچه وسائل لازم است فراهم میکنیم و از این قبیل مطالب، با رئیس هیئت اسلامی که برای پایان دادن جنگ با درمیانی میکرد تماس گرفتند تا بلکه جنگ را تمام کنند، با شرایط خیلی ساده ای هم خواستند به این نتیجه برسند. فرماندهان شما، آنها که عضو شورای دفاع هستند میدانند و گواهند، صورت جلسات هم موجود است. اینک نقش شما تعییر کننده است. ایندستان دیگر داستان گروگانها نیست که با ترقای ربگان تسلیم بشوند، میالنی از بول ملت فقیر با آمریکا ثیان بدهند و حیثیتی بزرگ از انقلاب کشور بریا بدهند. اینک پای موجودیت مادر میان است.....

پسین شما فرزندان مین اسلامی، برادران من، همسنگرها،

در سنگرهای خود بمانید، سنگرهای دشمن را تصرف کنید. هر آینه ای بدینکار بسته است. شمع نکنید اگر من در این لحظات با شما اینطور صحبت میکنم. سرنوشتی که برای من تدارک کرده اند سرنوشت شخصی من نیست. سرنوشت مین است. سرنوشت یک نسل است. نسل جوان بیروز کشور، نسل که حقیق دار در شد کنند و در این بین گیتی طر بیخود را اندازد. نسل که سهمین قضا انقلاب کرد و اینک میخواهند و راه ما تم این انقلاب بنشانند.....

.... شما همواره با پایداری تحمیل یک حاکمیت سیاسی استبدادی چه وسیله خود، چه با بازی کردن نقش وسیله برای دیگران خودداری کنید تا مردم ما اتکاء به نفس پیدا نکنند، رشد کنند و کشور خویش را به پیش ببرند. من با شما خدا حافظی نمی کنم برای اینکه همواره خود را در کنار شما می بینم، اما شما میگویم فرزندان مین، استوار باشید. ایران در وجود شما میجنکد. چنان بجنگید که در فتح و شکست معرف اعتماد به نفس، استحکام اراده و توانائی و پایداری ملت خویش باشید. ابوالحسن سنی مدر خدا یا رومد دکار شما باد.

۲۹ خرداد ۱۳۶۵

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به ملت

..... مردم ایران، زنان، مردان، مسئولیت شما سنگین است. بجنید، مراقب باشید، مین شما در خطرات، انقلاب اسلامی شما در خطرات، از من دفاع نکنید، از من حمایت نکنید، از موجودیت خودتان بعنوان یک ملت، از حق خودتان بکوه عنوان یک نسل نیاز مند به رشد و آزادی دفاع کنید و حمایت کنید.

مردم کشور، شاه یک آدمی با هیکل مشخصات معین و نام معلوم نیست. شاه یک رسم بوده است، بیبیداید این رسم در کجاست؟

بروز شما را داند و شما را بدهند که پرا مثل شاه کنایه میزنند. اما ببینید شاه کیست؟ آیا شاه مردم کشور را هر مردی می یافتد که نسبت به استقلال ایران دلسوزی داشت؟ میخواست بولهای ما را خارجی ببرد، نفت ما را خارجی ببرد، بودجه ما طوری خرج نشود که نفع خارجی، آمریکا شی ذرا و باشد؟ قطعا نه. این کارها را در نفع آمریکا شما میگرد. حالا ببینید چه گروهی همان کارها را میکنند و گناه من جز اینکه قرا را در دنیا آمریکا را در دنیا راه گروگانها افشاء کرده ام، جز اینکه قرا را در دنیا لیبوت را افشاء کرده ام، جز اینکه فروش نفت را بمقدار زیاد این بودجه ای که بدتر از بودجه های شاه است افشاء کرده ام چیست؟ شاه شما جوانهای محروم را میگرفت، شکنجه میکرد، میگفت و یک اقلیتی میلیون میلیون بلکه بیلبارد میلبارد بخورد و ببرند. خود میخورد و میخوراند. من در تمام مدتیکه شما خدمت کرده ام دیناری حقوق نگرفته ام، هیچ بذل و بخششی نگرفته ام، و به شما میگویم در سخت آزاد در باره، بوده گفتند ما نمیتوانیم از آنها که سوده های کلانی در تجارت با خارجی برده اند مالیات وصول بکنیم چون نمیتوانستیم در بودجه هم نیا وردیم. میدانید چرا نمیتوانند از آنها مالیات بگیرند؟ برای آنکه بدون آنها، راستگی ممکن نمیشود. البته وقتی دولتی ما جز شد از آنها مالیات بگیرد با پایداری استبداد سیاسی برقرار کند تا شما مردم محروم و تشنه و بحال خود را شده امروز ایران نتوانید اعتراض کنید، بیبرید چرا اینطور؟ پس در این مسئله هم، رفتار و روش من برفداهاست. اما آیا شاه جاستید را اجرای قانون بود؟ شاه نبود که حتی قوانین خود را هم، قوانینی را که خود بیه تصویب میرباید اجرا نمیکرد؟ و حالا چه کسانی همان قانون اساسی را که خود بیه تصویب رسانده اند اجرا نمیکند؟ شاه دهن ها را نمی بست، قلمها را نمی شکست؟ آیا این منم که با ما نسور و بستن دهانها و شکن قلمها موافقم؟ یا در مت با این دلیل که با این کارها مخالفم در این وضع قرار گرفته ام که حسرا در آن قرار دادند؟ شاه سابق میگفت کسی در این کشور حق مخالفت با او را ندارد و اگر کسی با او مخالفت میکرد سرنوشتی جز زندان، داغ، درفش، محکومیت و اعدام نداشت. مگر اینکه صبا مسد توبه نامه مینوشت و در را دیو و تلویزیون میخواند. آیا من تا بحال کسی را از حق مخالفت محروم کرده ام؟ و شما میدانید چه کسانی میخواهند این حق را از همه بستانند؟ عدم کفایت من در چیست؟ جز همین اعتراضها به استبداد سیاسی که در کار ایجاد آندند؟ شاه سابق دانشگاه را محلی میخواست که افراد، نیروی انسانی لازم برای دستگاه گسترده حکومت استبدادی او فراهم آورند و حالا چه کسانی میخواهند دانشگاهها را با این صورت در آورند؟ آیا این من نیستم که در مقابل تبدیل دانشگاه به ماشین ابزار سازی مخالفت میکنم؟ شاه سابق رای مردم را به حساب نمیآورد. برای مردم حق رای قائل نبود و میگفت: مردم بیسوادند، جا هلند و نمیتوانند در باره سرنوشت کشورشان تصمیم های عالقلانه بگیرند. از اتفاق، روزیکه من میخواستم تا مزد ریاست جمهوری بشوم من این حرف زده شد که در سوع حکومتی که ما داریم میخواهیم ایجاد کنیم صحت از رای مردم فقط برای اینست که دهن، دهان دنیا را ببندیم که نتوانند در اینجا رای مردم حساب نیست. یک گناه من اینست که به رای شما مردم انتخاب شدم و شما پنده حزب جمهوری نیستم خوب، حالا چه کسی نی برای رای شما مردم بیشیزی ارزش و اجزای قائل نیستند و

مجلس رای به خلع بنی صدر از ریاست جمهوری داد

اکنون بر ملت ایران است تکلیف خود را با این حکومت روشن کند

این مجلس وکلای خائسین آن، با سردمداران و طرفداران این مجلس، روشن کند. قرار بر اینست که خمینی به استناد رای این مجلس بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کند، و در پی آن هیئتی متشکل از سه عنصر منافق، پستی، رقت جانی و رجانسی، بنام شورای ریاست جمهوری اولاً - ریاست جمهوری را بر عهده گیرند. بدینسان پیرو از کودتا با صورت ظاهر قانونی بی پایان رسیده و برده دوم آن یعنی بگرد و گشتار دسته جمعی مردم و کلیه نیروهای سیاسی ترقیخواه آغاز خواهد گشت. - از هم اکنون و بدینحال

رای خائسانه مجلس آلت بدست اسلامی، حکم بگیرد و دستگیری رئیس جمهور نیز رسماً صادر و اعلام شده است. وضع کاملاً روشن است، و اکنون بر مردم قهرمان ایران است که حرف نهائی خود را بزنند و حساب خود را با این پست فطرت ها روشن کنند. اکنون بر کارگران ایران است که نظر آخر خود را اعلام کنند و قدرت شکستناپذیر خود را پس از این بی خبران نشان دهند. اکنون سرکار مستبدان ادارات و بانکیها و صاحبان مشاغل مختلف و بازاریبان و دیگر قشرهای مردم است که رای خود را بر از داشته و کار آتی اقدام جمعی خود را سه

این بی میغان حالی کنید. اکنون بر سر بزازان و درجه داران و هماغران و افسران آزادبخواه و کلیه عناصر شریف و متممها یسر نهادهای مسلح کشور است که کلام نهائی خود را بر از داشته و نیرومندی خویش را به این خیره سران اثبات گردانند. اکنون بر تمامی ملت است که حاکمیت خود را با شدت ثابت گردانند و به این اقلیت ناچیز و خودبناخچه بقمها ندکه شتی پوشال پیش تیتند. مرگ برخیا نتکاران! سرتگون باد حکومت استبداد در پرده دیدن! برافراشته با دپرجم قیام همگانی مردم ایران!

روز یکشنبه ۳۱ خرداد مجلس شورای اسلامی با اکثریت ۱۷۷ رای، رای به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور کشور را دو با این رای ۱۷۷ خائس را به مردم ایران معرفی کرد. اکنون برای مردم ایران تکلیف ۱۷۷ خائس رسماً روشن شده است. اکنون برای مردم ایران روشن شد که این مجلس مجلسی است قرحا پیشی و آلت دستند. از همان نوع مجالس محندرها - شاهی که سیخ روارانده و نظیر آسیا را نما بندگی میکند. این مجلس تکلیف خود را با ملت روشن کرد و اکنون ملت است که باید تکلیف خود را سا

پیام رئیس جمهور

اگر شما حرف میزنند فقط برای اینست که شما، جماعتها راه خیابانها نکشد؟ خوب، پس وقتی همه ابراز قدرت استبدادی به صدر رئیس جمهوری عمل میکنند و این رئیس جمهوری برضد همه این اسباب عمل میکند، درحقیقت مبارزه همان مبارزه است، انقلاب همان انقلاب است. امریکه هست و به گمان من مهم، اینست که کسانیکه میخواهند این استبداد را به سر قیمت برکنور ما حاکم بکنند. واقعیت اینست که ما جوان است، نه تنها نمیتواند در سکون و حمود زندگی کند، نه تنها نمیتواند در ظرف زمان حال زندگی کند بلکه نیروی محرکه، دگرگونی است و ما زنده آینه جوان بدون رشد، بدون تکامل، بدون ترقی معنا و مفهوم ندارد. این مفا هم بدون آزادی بدست نمیآید. اینست که تا کشور مستقل و آزاد شود، نسل امروز نسلی است محکوم به سکون، نه حمود، به وابستگی. اینست که نسل امروز به اسلامی نیاز دارد که بدو امکان رشد، امکان بارور کردن اندیشه بدهد. چون چنین است نتیجه وضع موجود و نسل جوان امروز را برسیانگیزد که کار و تلاش کند. و همین، و همینیم که وضعیت را دگرگون میکند. امروز نتیجه حکومت حزب جمهوری سرکشور، حزب که چه بگویم یک گروه معین بنام حزب، وابستگی اقتصادی، گرانی روز افزون، ناامنی تاسدان حکم رئیس جمهور کشور به رای ۱۹ میلیون در این مقام قرار گرفته است و هیچ چیز خود امنیت ندارد. بساط بیرونده سازی و ساواک با زنی تهر و آل

دوره شاه بیدار شده، توانین اختناقتی یکی پس از دیگری تا ما ده میشوند. کشور علاوه بر جنگ خارجی، جنگ داخلی، دربرک ناامنی عمومی، میوزد، اقتصاد در فلج کامل، جامعه، جوان بیست حکومت عاقلها، عاقل - های نادان، چگونه میتوان عاقل و نادان بود؟ این همان معنائی است که نسل امروز باید حل کند. اگر اینها عقل میداشند، دانائی هم بدست میآوردند. با همه این وضعیت، نسل جوان امروز نسلی باید خود را به یاس بسیار رده من باشم وجه نیاشم..... خواهی، برادر من، من ترا بیه استقامت خواندم، تو نیز مرا به استقامت خواندی. یاد میآوری روزهای نخستین ریاست جمهوری مرا؟ هر دو، من و تو پیمان بستیم بر عهد خود وفا کنیم، وقت، وقت وفای به عهد است. بایست و سرنوشت... (نوار سهمینجا خاتمه یافت)

ابوالحسن بنی صدر
۲۹ خرداد ۱۳۶۵

توضیح: هر دو متن از نوار بیا م رئیس جمهور بیا ده شده است.

پرت و پلا گوئی

و این سردمداران، نه تنها دو پست فطرت و خائس و مشکوک هیچ ندای مخالف خوانی، تحمل نخواهند کرد. آنها به عدهای مطیع و خلقه بگوش نه دارند. "بردار دعایی" و دیگران باید تکلیف خودشان، خودشان معین کنند!

امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است!

نظارات کارگران شهر صنعتی البرز (۶۰/۳/۲۷)

کارگران انقلابی، هم مینهان مبارزین صبح روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ سرتیست کمیته "انقلاب اسلامی" شهر صنعتی البرز (قزوین) کارگران و ادعوت میکنند که در ساعت یک بعد از ظهر هما نروزی برای شنیدن سخنرانی استاندار زنجان و فرماندار قزوین که هر دو از عنا بر سر سپرده حزب جمهوری اسلامی هستند، در جلومکته شهر صنعتی البرز اجتماع کنند.

آقایان استاندار و فرماندار قزوین قصد داشتند تحت لوای بهشتیانی از "ولایت فقیه" و کویپیدن رئیس جمهور (بنی-صدر) به نحسب کارگران سرداخته واقهان را سزای بدیگرش توطئه، کودتای خائنه ای که درسی ساده کردنش هستند آماده سازند. لیکن کارگران سارزکار خاتجات شهر صنعتی البرز و مردم قزوین با هوشیاری و دلآوری دسیه این آقایان را به نسد آسان و آریایان حزبی شان میدل ساختند.

در ساعت یک بعد از ظهر حوز ۳۰۰ تن از کارگران نا آگاه و ساری خورده، عضو "احسب های اسلامی" هیچ کارگری در مقابل کسبه شهر صنعتی جمع نشد. کارگران به محض تعطیل شدن در جلوی یکی از کارخانه ها تجمع کرده اند حمل عکس بزرگی از بنی-صدر، عکس از شادروان طالقانی و نیز پرچم به رنگ ایران شروع به راهسماشی میکنند. کارگران که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بودند در صفوف بهم فشرده و منظم به طرف شهر قزوین و سرون ارمحوطه، کارخاسحات فصدیه حرکت میکنند. طاهر خانی سررسب کمیته شهر صنعتی البرز که فو بدنام و شروری است و تنامی کارگران از این عنصر کثیف مترچر هستند به قصد مانعت از حرکت کارگران یسمت شهر به جلوی جمعیت آمد. کارگران که از این حرکت طاهر خانی حسان بالا رنده بود، اورا چپیده و کتک مقلی را نوشت جاتش بیگند و سس اورا به جوی آب انداخته و ریشش را لجن مال میکنند. کارگران با مشت های گره کرده و پای کوبان در حالیکه طرف شهر قزوین راهسماشی میکردند شعار میدادند:

- بنی صدر، بنی صدر حیاتت میکنیم
- بهشتی، بهشتی درسه درت میکنیم
- فرمانده، کل قوا بنی صدر
- مرگ بر بهشتی، مرگ بر رجائی
- دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند
- مسلمان بیاخیز، حزب شده رستاخیز
- حزب چماق بدستان، باید بره گورستان
- بهشتی، بهشتی طالقانی را توکشتی
- کارگران بیدارند، از بهشتی بیزارند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

در این هنگام کارگران شیفت بعد از ظهر هم با سرویس های از شهر آمده و به کارگران نظا هرکننده می سیوندند. اکنون دیگر تعداد کارگران نظا هرکننده به ۱۵۰۰۰ نفر میرسید. نرسیده به سه راهی شهر صنعتی کارگران با آ هیولانسی روبرو شدند که از درون آن بظرفشان تیراندازی میشد. چند نفر از کارگران تیر خورده، در خون غلتیده و زمین افتادند. کارگران با شاهده ایسین

جنا نت چکنه چو فان جمهوری اسلامی خشکین شده و به طرف آ هیولانسی حمله بردند. آ هیولانسی فرار از برقرار ترجیح میدهد و در این بین بین ۲ الی ۳ نفر از پاسداران ژ ۳ بدست جا میمانند. کارگران با پاسداران را که در حال فرار بودند تعقیب کرده و آنها را دستگیر و خلع سلاح میکنند و در ضمن کتک مقلی هم به آنها می زند. کارگران به حرکت خود به طرف شهر ادامه داده و با خشم شعار میدادند:

- مسلمان بیاخیز برادر کارگر کشته شد
- برادر کارگر شهادتت مبارک
- بهشتی، بهشتی کارگر را توکشتی
- بهشتی خیانت میکند، پاسدار حیاتت میکند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

کارگران در میرحاده، تسدیم سهران - سروس در حسان حرکت بودند که در نزدیکی هتل تی بی تی قزوین با سدا تومبیل سیمرخ سملوا از پاسداران مسلح روبرو شدند. پاسداران به محض بیاده شدن از تومبیل ها به طرف کارگران حرکت میکنند که با مقابله و کتک کارگران روبرو میشوند و سید رنگ سوی کارگران شلیک میکنند. تعدادی از کارگران را زخمی و تعدادی دیگر را نیز شهادت میرسانند. کارگران سدا زمدتی مقابله با کتک و آخر، در میان باغها و کشتزارها پراکنده شده و دسته دسته از طرف جاده به طرف شهر میآیند. خانواده های کارگران و مسردم شهر قزوین با اطلاع یافتن از این خبر به طرف دروازه شهر قزوین سواستقال کارگران سوا زوقهرمان حرکت کردند. در دروازه شهر، خانواده های کارگران و مردم شهر قزوین منظر کارگران بودند و کارگران دسته دسته از زمان باغات سه شهروا رده شده و خیرشهادت رسیدن و زخمی شدن سرادران همرزمان راه مردم میریاندند. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر سیاه بان سدا ازان چندمی تی بوس با سدا ر مسلح در دروازه شهر مستقر کرده و در سطح شهر با بلندگو اعلام میکرد که "مردم برای مقابله با گروهکهای ضد انقلاب در دروازه شهر تجمع کنید". سپاه پاسداران بعد از چند ساعت گشتن در شهر و جازدن حدود ۳۰۰ نفر چماق دار با بیل، کلنگ، چماق و قمه در مقابل دروازه جمع کرد و آنها سادان شعارهایی چون "مرگ بر بنی صدر"، "حزب فقط حزب الله" به طرف مردم حاضر در آنجا حمله میکردند. آنها کارگرانی را که به طرف شهر میآیند کتک میبردند دستگیر میکردند و تحویل سپاه پاسداران میدادند و بدین ترتیب تعدادی کارگر را دستگیر کردند. در عصرها نروز، تمامی مردم شهر سوبیژه اهالی محله های کارگر نشین از خانه بیرون آمده و سرجها راه ها و میادین شهر جمع شده و در مورد مسائل سیاسی روز و مبارزه کارگران و کشتار ددمنشانه ارتجاع حاکم بحث میکردند.

پاسداران و چماق داران حزب جمهوری نیز در سطح شهر مرتب به گشت و شعار دادن مشغول بودند و خیال خود شهر را کنترل میکردند.

- کارگران مبارز و همشهریان قزوینی:
- هما نظوریکه با حرکت متحدا نه خود،

پرت و پلاگویی روزنامه جمهوری

اسلامی

۲ - روزنامه جمهوری اسلامی پس از آنکه در مورد "اتحادیه" اظهار راحیه فرمودند به پروپا چه "اطلاعات جوانان" که با ما بسه مباحثه نوشته است پیچیده و میگوید: "ما نظر بر اردعا شی (مدیر اطلاعات) را به جریان ناتی که در این نشریه میگذرد جلب مکنیم... و هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه را همیما شی ۲۵ خرداد از سوی گروهکهای منافق و ضد انقلاب بی ارتباط باشد" البته از این به بعد نوشته جریده، معروفه به موسسه اطلاعات و بخصوص "اطلاعات جوانان" مربوط است. ولی ماحق افکار نظر را برای خود محفوظ میداریم:

اولا - اطلاعات جوانان فقط با "اتحادیه گمونیستها" ایران به مباحثه پرداخته است. بلکه با یک رشتند از جریانات مختلف چون حزب توده، سازمان مجاهدین و دگرپییمان و... به بحث پرداخته است. معلوم نیست چرا جریده جمهوری اسلامی فقط در مورد ما و مجاهدین حساسیت نشان داده است؟ چرا زمانی که مباحثه "اطلاعات جوانان" باب بحث آزاد را با چندین شماره بی دریغ از سخنان جناب کیا نوری - دبیر کل حزب توده - فتح کرد "جیغ و داد"ش در نیامد؟ چگونه است که وقتی حاسوس اعظم ایر قدرت شوروی، کسی که سرسپردگی اش به یک قدرت بزرگ امپریالیستی قابل کتمان نیست و خودش هر روز در "پرسش و پاسخ" و در جریده "مردم" اش این "اصل" حیات سیاسی اش را اذعان دارد مشغول نکته پراکنی و دفاع از امثال بهشتی ها و سبوی ها و رجا بیی ها در مباحثه اش میشود، جریده جمهوری اسلامی نطق بر نمی آورد؟ روشن است برای آنکه فعلا این حاکران اسر قدرت شوروی در صفوف "حزب الله" وارد شده اند و برای جمهوری اسلامی به تمهکشی و چمانداری مشغولند. روشن است چون خود آقای بهشتی مشغول بحث بسیار آزادانه سران اینها و برادرانشان اکثریتی های خائن در رادیو و تلویزیون هستند! و ما به ملت هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه کودتای حزب جمهوری بی ارتباط باشد!

ثانیا - راستی نظر "برادر دعایی" در این مورد چیست؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات و اطلاعات جوانان "پیام" مستبدین جمهوری اسلامی را از خلال این سطور معدود دریافته اند؟ آیا فهمیده اند که سران مستبد حزب جمهوری اسلامی آنها را تهدید کرده اند که با "کاملا در زیر برجم ما سیه میزنید یا ما شمارا در ردیف "ضد انقلاب" و "منافقین" و "توطئه گران ۲۵ خرداد" و... به حساب میآوریم؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات آنقدر از شرف و حیثیت خود در گذشته اند که تسلیم این استبداد سیاه میشوند و سه میل این مستبدین قلم در دست میگیرند؟ کاری که متاسفانه پس از کودتای حزبی درست بدان مشغولند!

"برادر دعایی" و دیگر افراد گروههای از این ملک باید بدانند که برخلاف آنچه که مینویسند که گویا در زیر پرچم اسلام و امام طی طریق میکنند، خواسته یاننا خواسته به یک استبداد سیاه، به وطن فروشی و خیانت ملی در زیر پرده دین حزب جمهوری اسلامی خدمت میکنند.

پس از پیام امام بمناسبت شبیه شعبان که در آن شب "اتحادیه کمونیستهای ایران" نیز اشاره ای رفته بود ما را به "توهین به مقدسات مردم" متهم نموده بود، روزنامه جمهوری اسلامی شروع به جست و خیز کرد و سه نوبه خود یک رشتنه پرت و پلا می مرتجعانه به خوانندگان "سیار زیادش" تحویل داد است. هم چنین روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به مباحثه مجله "اطلاعات جوانان" با "اتحادیه" که حدود دو ماه پیش انجام شده است، این مطلب را نیز مورد عتاب قرار داده است. در این موارد توضیح چند نکته ضروری بنظر میرسد:

۱ - روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند که "اعضای این اتحادیه با آنکه بیارکم هستند ولی از حاشن ترین و مشکوک ترین افراد مداسلامی تشکیل شده است". کار همه را به کیش خود پندازد!

اولا آنکه خاشن ترین و مشکوک ترین افراد خدمت ایران، فدآزادی و استقلال ایران خود شما هستید! ما در صفوفمان آیت کودتای رانداریم! از استا دپروورش مجیز کوی فرماندار نظامی اصفهان خسری نیست! از بهشتی پول بگیر نخست وزیر دوران هویدا و مشا و رسوگلی مجلس محمد رضا خان، فرخ رویار سا نشانی نیست! مادر کناران "گروه سپاس" رجا شی، عسگر - اولادی و... را نداریم! ما سخنوییمان فلسفی - خطیب شهر آریا مهری - نیست و... این خود حزب جمهوری است که در ران، در کنارش، در زیر عیا و ردایش هر چه پست بد نهاد، خاشن و مشکوک در این مملکت وجود داشته جمع شده اند. خاشن شما هستید. شما هستید که شرافت و حیثیت مردم ایران را به بازی گرفته اید، شما هستید که آنگونه فضاحت کارگاسومان آمریکا بی راخلامی دادید و بلیا رددلاریول ملت را هم به آمریکا بی و غیر آمریکا بی و درباری های سابق بخشیدید. شما هستید که با انگلیس و آلمان و فرانسه و ژاپن و شوروی مشغول بسط روابط هستید و در پی احیای محددمای روابط دوران طاغوت میباشید، شما هستید که زندان و ساواک و شکنجه و اعدام دوران آریا مهری را برقرار کرده اید. خاشن شما هستید و ملت هم حقتان را کف دستتبان خواهد گذارد.

ثانیا آنکه روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند "اعضای این اتحادیه... سیار کم هستند...". گیریم که این چنین باشد. پس چرا امام تان و خودتان مرتبا در مورد ما اظهار نفرت و انزجار میکنند؟ آیا بغیر از این است که این "تعداد کم" حرف حق را میزنند، حرفی را میزنند که چون از دل مردم برمی آید، بر دل مردم هم می نشیند؟ بغیر از آنست که تمامی توطئه های ضد مردمی و وطن فروشانه، شما را بی محاسوبی ملاحظه سر بلا کرده ایم؟ آیا شما از بس امر نمی سوزید؟ گیریم که ما خیلی "کم" باشیم، ولی آیا سوختن و هیا هو و حمال شما از آن باست نیست که میدانید از خرد است که کلاں بر میخیزد!؟ و این راهم بگوئیم که مخالفت و انزجار از شما زیاهم "کم" نیست. تمامی ملت در این نفرت و انزجار شریک است و شما هم از همین باست دلبره دارید!

کودتاجیان حزبی به اعدام مبارزین در بند پرداخته اند

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند باز خواهد ستاند

بیاد تمام شهدای چند روز اخیر شعری از شهید خلق سید
سلطان نبوراستخاب کرده ایم :

نغمه در نغمه، خون غلغل زده، تندرشد
شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

چشم هراختربوینده که در خون میگشت
سرق خنسی زد و برگزیده، شب خنجر شد :

- شب خودکامه که در بزم گزندش، گل خون

زبیررگبار جنون جوش زد و پیرپرند

بوسه بر زخم پذیردالت خونین سر

آتشینه، گل، داغ دل ما در شد -

روی شبگیرگران، ماشه، خورشید چکید

کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد

آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می بست

شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد

آن دلاور که قفس ساگل خون می آراست

لسر آتشرنه آمد، سخنش آذر شد

آتش سینه، سوزان نوا آسنگان

تین تجربه آورد، تنبیا ورشد

وه که آن دلبر دلساخته، آن فتنه، سرخ

رهروان راه شگیر ز دور هر شد

شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت

آتش قهقهه در گل زد و بار آورد

عانت آتش هنگامه به میدان افکند

آ نیمه جرم خون شعله که خاک تر شد

کودتاجران جمهوری اسلامی در بیرون و در درون زندان
به جنایت مشغولند. در قروین به روی تظاهرات کارگران شهر
صنعتی البرز رگبار گلوله می کشیدند و کارگران را به شهادت می
رسانند. در تهران بروی تظاهرات کنگرگان بر علیه کودتای حزبی
آتش می کشیدند و بیش از ۸۰ نفر را به خاک و خون می غلتانند.
و در زندان، تاکنون ۳۲ نفر را بدون محاکمه، بدون پرسییدن
اسامی آنها، به دم تیب پرده اند.

در سال زندانیان اعدای که به همانند تظاهرات ۳۰
خرداد انجام گرفته با نامهای آشفتگی مواجه پیشویم گسه
ماهها در زندان بوده اند سید سلطان نبور، شاعر آزاد و مردمی
که چند ماه پیش وی را در حین عتدک - ر بودند و زندانیان پر شدند
به "جرم" !! راه اندازی تظاهرات ۳۰ خرداد اعدام شد.
محسن قاضی که چند ماه پیش در مقابل سفارت فلسطین - بی از
آنکهدی عوت سازمان آزادیبخش فلسطین برای اخذ ویزا به آنجا
رفته بود - دستگیر شده و سده همین "جرم" به اعدام محکوم
مگردد. اعدام زندانیان در بند در جمهوری اسلامی همه ملت
را بیاد اعدام گروه چرتی و مجاهدین در زمان اعلام حزب فاشیستی
رسانه در سال ۱۳۵۴ می اندازد. جزئی ها و خوشدل ها فرمانی
کودنای رستا خیزی شاه شدند، و سید سلطان نبور ها و محسن قاضی ها
و مجاهدین در بند تریانی کودتای حزبی بهشتی و شرکاء. ولی
اگر آن کودتای فاشیستی دوام آورد، این یکی هم میا آورد.
اگر آن یکی ۳ سال وقت بردار بر اساس خراب شود، این
یکی به کمال هم نخواهد رسید. اسال سال تعیین تکلیف
است.

ملت ایران این جنایات قرون وسطایی، این اعدام های
چندما عنده را هرگز از یاد نخواهد برد و به سختی انتقام خواهد
کشید. زمان انتقام هم زیاد دور نیست.

خبری از رودزرد...

سکاری کیه بهشتی، حامی فئودال کیه بهشتی ندادیم اینها
همه خواستهای ما است. یکی از رفقای ما از یکی از اکثریتیها
سؤال کرد که نظرت راجع به اوضاع حزب و جریان بنی صدر
چیست؟ چون او شرایط رایس دید گفت نه حزب خوب است و نه بنی
صدر. در ضمن نیروهای شرکت کننده در راهپیمایی هواداری از
بنی صدر بیشتر دانش آموزان راهپیمایی، دبیرستانی و دبیر
نی و کارگران و تعدادی از کسبه و راننده و سیکاران بودند که
اکثریت اهالی روستا را تشکیل میدهند. البته تعدادی از مردم
بی تفاوت لب خیابان ایستاده و نگاه میکردند که اینها هم گرا
یشات بنی صدری دارند. حرکت روستای رودزرد مشت محکمی بود
بردهاں یا وه گومان که تمام امکانات خبری را در اختیار دارند
و میگویند مردم طرفدار ما هستند.

در ضمن در این درگیری یکی از هواداران بنی صدرا ز ناحیه
کمرضه دید.

سرگ بر حزب سبک مردم فریب

تهران و در سپهان و در جا های دیگر بر علیه حزب راهپیمایی
کردند و میخواهند عامل ارتجاع حزب را سرنگون کنند. اکثریتی
گفت اینها همه توطئه، ضد انقلاب است. اینها همه ثایعه است.
کارگردگری گفت اهراری هم راهپیمایی میلیونی و شعارهای
الله اکبر میلیونی مردم را خوار میدانست و میگفت اینها همه
ثایعه است. اکثریت اولی میگفت شما اگر راست میگوئید داد
بر نیدگرانی است شورم اس. سکاری است نه اینکه شعار
مرک بر حزب بدهید. گروهکها و این اتحادیه کمونیستها که در کل
ایران سه نفر بیشتر نیستند، استفاده میکنند. یک کارگر
شرکت حفاری و باحسی از اهالی دادزند تا حدی خوب است و
قولش دارم و تو چکار داری که چندتا است حرف این است که
خطش درست است و مگر ما شعار دشمن آزادی کیه، بهشتی. عامل

جنایت هولناک

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ماه، پدرو ما درک مجاهد زخمی بنا
مراحمه به بیمارستان خمینی سراغ تریژند مجاهد زخمی شان را می
گیرند. ما سادرم درسدون گفتگو بطرف آنها شلیک میکند. ما در
دردمندجا بجاشهید میشود و پدرو زخمی میگردد. این پاسدار رذل
آدمکش توسط مردم دستگیر میشود در پرونده ای که همدستان وی
بناچار برای وی تشکیل دادند شلیک گلوله را "اسافی" و بیستگام
"بک کردن سلاح" ذکر کرده اند. ای مرگ بر این آدمکشان بی -
شاموس.

شهادت

در درگیری های اخیر بین مردم و طرفداران سنی مدراز
یک سو و مردوران و جنای داران حزب حاکم از سوی دیگر در شهرهای
لاهیجان، هشتپر، رامسر و کالم کاربد سنگر بندی خیا بانی
رسیده است و چندین کشته و زخمی شده اند (آمار دینی در دسترس
است)

امسال...

بقیه از صفحه ۶

توانستم طوی نوظئه استنادار و فرماندار حزبی را بگیریم و
هما نظور که توانستیم پوزه ظاهرا نی مزدور و شورور را سخاک
بمالیم و سزیا داران مدافع حزب خائن جمهوری اسلامی
را خلع سلاح کرده و کوشالی دهیم ضرورت با صفوف فشرده تر
و متحدتر با برنا بدو سازماز یافتند تا برچیدن ساط دارودسته
حزب چماق بدستان به مبارزه خودا داده دهیم.

حزب خائن جمهوری اسلامی مدتهاست که ارکانهای سرکوب
خود را در کلیه واحدهای تولیدی بوجود آورده و هیچکس نیست که سه
طریقی کزندان ارباعیون را نچشیده باشد. امروز در جریان
مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب و ارتجاع حاکم،
وقت آنست که کارگران غیرتمند و مبارز در ادا مه مبارزات
مختلفی که تا بحال علیه این مرتجعین نوکیسه داشته اند، برای
بیرون ریختن جما قدران حزبی از کارخانجات برخیزند. کار
گران کارخانجات باید برای برچیدن ساط "انحن های
اسلامی" دست به اعتصاب بزنند. کارگران مبارز و خصوصاً
خانواده های عزادار کارگران شهید و زندانی میبایستی حقانیت
مبارزه ای را که امروزه در سطح تمامی شهرهای ایران از جمله
قزوین در جریان است، بس مردم سرده و نسلخ کنند و از
همشهریان خود بخوانند که همه آستین ها را بالا زده و با اتحاد
و تشکل خود حزب جمهوری و ارتجاع حاکم را سرنگون سازند.

هواداران نشریه "حقیقت"

اتحادیه کمونیستهای ایران (قزوین)

امسال سال خون است. بهشتی، سرنگون است

خبری از رودزرد رامهرمز

روستای رودزرد در ۱۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار
دارد. اهالی این روستا را دهقانان و کسبه داران و کارگران
(صنایع فولاد، بنورد، بوسا، زمان آب و برق و غیره) پوشش
محلین تشکیل میدهند. روستای رودزرد بخاطر معزومیتها بی
که در رژیم واسته، محمدرضای خاثن متحمل شدخیلی زود به
صفوف انقلاب پیوست و خیلی زود با شعار مرگ پیر شاه مشیت محکمی
بردها را امپریالیست ها بخصوص امپریالیسم آمریکا کوسیدند.
ولذا برای رسیدن به اهداف و خواستهایشان که استقلال و آزادی
و گشتن بندهای نیمه فئودالی روز شماری میگرددند و از آنجا که
حزب مردم فریب و ارتجاعی حاکم بر سر نوشت انقلاب شد و در
ماهیتش نبود که خواهی زحمتکاران بر سر هر روز بر بنا رضایتی
مردم افزود و قرار دادهای اسارت آرو آزادی گروگانها ماهیت
حزب را بیشتر رو سن ساخت. نیروهای آگاه و کارگران مبارز
به آگاهی زحمتکاران روستا افزودند و تنبیده مسازنه طیفاتی در
این روستا به اوج خود رسید و منتظر جرقه ای بودند تا دشمن زحمت
کشان را هدف قرار داده و آن را رسوا سازند. لذا با فتوای شعار
الله اکبر که برای گرفتن تاشیدی برای حزب مردم فریب
جمهوری اسلامی (در شب ۲۳/۳/۶۰) بود این جرفه به آتش مددل
شد و اکثر اهالی روستای رودزرد در ساعت ۹ شب با شعار مرگ
سریشتی و مرگ بر خایی و مرگ بر حزب جمهوری اسلامی دشمن
طیقاتی خود را نشان نه رفته و هدف قرار دادند و حزب الله ها که
موقعیت را وخیم دیدند و با تعدادی نیروی کم به راهیما شتی
بردا خستند. حبه هواداری از سنی صدر خودشان را متشکل و به راه
بیمانی بردا خستند و حزب اللهی ها در روی سک کوه و مردم پشنتیبا ن
سی صدر در روی کزه رو بر و بر علیه هم شعار میدادند و ناگفته
نماند که روحانی محل میخواست طوی این راهیما شتی را بگیرد
و مردم مصمم به راهیما شتی خودا داده و در سر کرده در خیابان
اصلی تجمع کرده و شعارهای برضدارتجاع حاکم میدادند و حزب
اللهی ها خودشان را وارد این راهیما شتی کرده و میخواستند
درگیری بوحود بیاورند. ولی با شعار مرگ سریشتی صدای آنها
در گلو خفته شد این راهیما شتی تا ساعت ۱۰ شب ادا شده داشت و از
طرف تبلیغات حزبی فیلمی سنام سنگیر برای آرام کردن
و خواباندن این مبارزه آوردند که مردم به پشتیبانی از رئیس
جمهور با شعار مرگ سریشتی، حزب چماق بدستان باید بیره
گورستان و مسلمان ببا خیز حزب شده رستا خیز، ماشین حزبیها
را تا جلو مسجد مایعت کرده و نیروهای باقیمانده در مورد اوضاع
داخلی بحث میکردند که اینکه حزب جمهوری اسلامی میخواهد یک
کودتا بر علیه بنی صدرو نیروهای انقلابی راه بیندازد که ۲ نفر
از هواداران اکثریت فدایی در مقام مردم موضع گرفتند و
میگفتند چرا راهیما شتی میکنید، جنگ است و بشفخ آمریکا است
که یکی از کارگران صنایع فولاد گفت ما با شما اکثریتی ها که
معلومند کی هستند، خیانتکارها حزب داروغارت میکنند و سیکاری
را زیاد میکند، دست محتکران و سرمایه داران را برای چساول
ساز میکنند و شما میگوئید جنگ است و به اسم جنگ میخواهید مردم
را شیره بمالید و یکی از اکثریتی ها گفت آن بچه که سرش نمیشه
چه میداند حزب چیست، بنی صدر چیست که راهیما شتی راه بیندازد -
زید. کارگر مبارزی از شرکت نفت گفت "رفیق" سر مردم در

اخبار...

بقیه از صفحه ۱۲

زودیراکنده میشود. پس از این زاهدیمائی یکی از هواداران محاهدین که قبلا شناسایی شده بود توسط مرتجعین حزبی چاقو میخورد که گویا حالتی وخیم است.

در همین روز در جها راه مدرس ساعت ۶ بعد از ظهر تعدادی جماعت را "حزب اللهی" (حدود ۳۰۰ نفر) بعد از سخنرانی خمینی در شهر راه افتاده و شروع به عریسه کشی و شعار دادن به نفع دولت و حزب و مجلس ارتجاعی و حمایت از خمینی میکنند تا باعث رعب و وحشت مردم شوند. با کوچکترین بهانه ای جوانان را از بسین مردمی که با نفرت آنها را تماشا میکردند. بیرون کشیده و کتک میزدند. نیروهای مترقی و از جمله هواداران اتحادیه در بسین مردم شروع به افتاگری از آنها میکنند. در بسین "حزب اللهیها" (مردوزن) هواداران فدائیان اکثریت از همه آتشی تری بودند و سلسله ترنره میزدند.

■ به شنبه ۲۶ خرداد - از ساعت حدود ۱۰ تا ۱۰/۴۵ سحر از ظهر در چهل متری دولت آباد (م - ۴) زخمکن نشن در حومه کرامشان) حدیث نفر از جوانان مبارز و هواداران اتحادیه تجمع کرده و شروع به دادن شعارهای انقلابی و ضد حزب خائن و بن فروش دولت و مجلس وابسته به آن و حمایت از سنی ضدمی کنند. عده ای از مردم نبره آنها پیوسته و به ۲۰۰ نفر میرسنده. سقیه مردم نیز برای آنها کف میزنند. چند درگیری نیز با چاقو کشان ارتجاع ستر ما بد که در یکی از آنها جاقوی فرحمله کننده از دستش گرفته میشود. این فرد سردورکی ار هواداران دارو دسته روس پرست فدائیان اکثریت بوده که از افتاگری به عمل ما بد مردم علیه او و اربابان شرعار میدهد. در انتیای مردم بهیج وجه خواهان ترک محل و پیاپان دادن به تظاهرات نبودند. پس از آن در بسین مردم اعلامه های انقلابی پخش میشود که مورد استقبال قرار میگردد.

■ چهارشنبه ۲۲ خرداد - ساعت ۶/۱۵ در حوالی میدان آزادی (از مقابل تئ بی تئ) مردم شروع به راهپیمایی کرده و شعار درود سنی مدر - حزب جماعتیستان باید بره گریزتان و ... میدهند. مردم از شیرینی فروشی نزدیک آنها شیرینی خریده و بروی سرتظا هر کنندگان مبریزند. حزب اللهیها با کمک پاسبانان داران و ... از سبت به جمعیت عمدتا زنان و دختران) حمله کرده و تعدادی را با کارد و پنجه بکسی ... میزنند و شیرینی فروشی را نیز داغان میکنند.

در همین روز مردم و نیروهای مترقی، محاهدین و اتحادیه کمونیستها، دست به یک راهپیمایی از حوالی به راه شریعتی به طرف میدان شهناز سابق میزنند. در میدان درگیری مینسود و مردم در مقابل جماعتاران سائرتاب سنگ از خود دفاع میکنند و دریک یورش موفق میشوند آنها را فراری و میدان را تحت کنترل در آورند و سپس یک دکه وابسته به حزب جمهوری را داغان میکنند و به دفتر حزب خائن در همان حوالی نیز حمله کرده و شیشه های آنرا می شکنند. در این هنگام مزدوران حزب اللهی که توسط پاسبانان داران و ... تقویت شده بودند با چند ماشین (آهو و ...) از پشت به صف جمعیت میزنند که به نفر دختر را زیر میگیرند و گویا ۲ نفر از

آنها شهید شده اند. مردم شمشکین دوتا از ماشین ها را نیز خرد میکنند. راننده یکی از این آهوها شناسایی شده و مزدور اکسری - پتی است. دیگر مزدوران روس پرست نیز در بسین جماعتاران زیاد دیده شده اند. بعد از حدود نیم ساعت جمعیت پراکنده میشود. ■ شنبه ۳۰ خرداد - در این روز مجددا در مقابل تئ بی تئ تظاهرات کوچکی عمدتا از زنان و دختران برپا میشود که حزب اللهیها و حبشیان با چاقو و پنجه بکسی به آنها حمله میکنند و تعدادی نیز دستگیر میشوند.

روز چهارشنبه در تظاهراتی که در خیابان شریعتی با شعارهای بنی مذبذب و مدعیانیت میکنند به راه افتاد مردم شمشکین دکه - نشریات حزبی را درهم شکستند و دکه دانش را تهنیه کردند. سپس به دفتر حزب جمهوری در همان خیابان حمله کرده شیشه های آنرا شکسته و او را تومیل متعلق به حزب را خرد کردند و جماعتاران را سواری نمودند. از شعارها و دیگر این تظاهرات: این مجلس کذابی سطل را سد کرد و مرک برپستی بود. اس تظاهرات با همکاری محاهدین و اتحادیه کمونیستها تری ... شده بود.

اهدان

در روز شنبه ۲۴/۳/۶۰ جمعی سحر از ۱۰ هزار نفر در میدان خمینی - خیابان سوغلی - آرامگاه سوغلی احتماع کرده و شعارها به طرفداری از سنی صدر و بر علیه حزب جمهوری اسلامی میدادند که سر و کله جماعتاران قدراره بشد پیدا شده و ما مردم درگیر شدند. در نتیجه جماعتاران تعدادی از خمینی به جای گذاشتند البته از مردم نیز تعدادی زخمی شد. سد سبال درگیری حزب جماعتاران قانونی خود را (کمیته) وارد میدان کرد و شروع به دستگیری و تیراندازی و سرتاب گنازاشک آور نمود. اما نتوانست از عهده مردم انقلابی سرباید. در نتیجه آنها محل تظاهرات را ترک کردند و تا سبال محل در دست تظا هر کنندگان بود.

■ روز یکشنبه جمعی سسر از خمینی زور فسل به هیئتی محل آمد و وسطورا کنده در نقاط مختلف این خیابان و دو میدان دیگر شعارهایی سر علیه حزب و سطرفداری از سنی میدادند. تا شب چندین بار با جماعتاران و کمربندی ها زد و خورد صورت گرفت و بعد از سراکنده شدن جماعتاران و روسی کمیته چیها جمعیت به راهپیمایی به طرف جها راه عباس آما سپرداخت. البته عده ای از جماعتاران دوباره احتماع کرده و به سد سبال جمعیت سسراه افتادند ولی دیگر زد و خوردی رخ نداد.

■ روزهای دوشنبه و سه شنبه اوضاع آرام بود، البته طبق معمول جمعیت به میدان خمینی آمده بودند.

■ روز چهارشنبه در خیابان سوغلی هواداران محاهدین به راهپیمایی پرداختند و ما جماعتاران درگیر شدند و تعدادی از دو طرف زخمی شد.

دستگیری افراد فعال در این تظاهرات ها هر روز ادامه دارد و در این هفته به سسراری نظرسیده است. جماعتاران افراد فعال را شناسایی کرده و در حوالی خلوت آنها را محاصره کرده و کتک میزنند.

یکی از رفقای ما را نیز در یکی از ایستگاههای خط محاصره کرده و او را کتک زده بودند به طوری که رفیق ما بر روی زمین افتاده و سبتی سی حال شده بود.

ایران در جوش و خروش اخبار چند روز اخیر

تهران

■ اوایل این هفته در فرجک و رامین حدود ۲۴ تظاهرات شبانه به هواداری ارسنی مدرو علیه حکومت گودا صورت میگردد، که همه به زد و خورد کشیده میشود. در آن هر هفته نیز مردم مجدداً بیرون آمده و شبانه با چوب و چماق میخواستند به کمیته قرق حمله ور شوند که با سداران خود شروع شهرری و نازی آباد و... به آنجا ریخته و با شلیک و ضرب و شتم از حرکت مردم جلو میگیرند.

■ روز شنبه ۳۰ خرداد تظاهرات عظیم مردم و مجاهدین خلق نقاط متعددی ارسپه راه سدار مبارزه قیر ما تا نه ما ارسجاع گودتا گرجا کم و اادی مسلح آن تبدیل کرده بود. نمنا در خیابان انقلاب حدود ۲۰۰ هزار تفرقه تظاهرات پرداختند و همزمان با آن در سدان اما م حسین و حوالی آن، پیچ شمیران، توخانسه، محل دستر همکار بهای مردم با رشی جمهور و نقاط دیگر جمعیت های مردم با او باش حماسه را و بیاداران وارد درگیری شدند. مزدوران کمیته و با سدارها در نقاط متعددی در میدان فردوسی، چهار راه مصدق، فخر آباد و غیره و همچنین پانگرفتن سر بالای سا مینا نا حواس مردانه مردم را با تیر با رکا لبر ۵۰، ژ ۴۰ و کلانشلیک به رگا رگلوله بستند و دهها نفر را کشته و صدها زخمی بحای گدانسد. بوده مردم خشمگین سیره تلافی این قتل های نا حواس مردانه گروهی از حاق قدران خاشن و اادی مسلح گودتا را در ک واصل کرده و عده ای از ایشان را پیا دکتسک گرفتند، تا بدندان آسده احتساب نامذرا بر سمت مطرتیای آدمک را یا دآورشان کرده باشند. در این میان هادی غفاری این ملعون دیوانه، دوانه و ارسا ختمنا راپه رکسار گلوله می بست و سراسر هس فرقی همیگرده که هکسی را آسماج گلوله های خاشناسه، حوس قرار میدهد.

در میدان توخانسه سیزدهمین روز میان جمعیت انبوه مردم و با سداران ارتجاع درگیری بوجود آمد، با سداران نا حواس مردانه مغز جواسی را متلاشی کردند. مردم دورا و جمع شدند و با سدارانی را که قصد بیرون حنازه، وی را داشتند تاراندند و عده ای از آنان را سا دکتک گرنستند و مزدوران مسلح وحشت زده در حالیکه زخمی و خونی لاشه های خویش را از محل دور میگردند عقب نشستند.

شنبه شب همین روز (۳۰ خرداد) ساعت ۹ شب جمعیت زیادهای در تهران سارس برشت با مهارفته و با شعارهای درود بیس سنی مدرو مرگ سر بهشتی اس منطقه از شهر را سمدت بکرسسج ساعت لرزاندند.

■ شماره دوتا ارماتین های کمیته:

سزمنکی شماره ۶۶۲۳۹۹ / تهران - د

جیب آهوا کستری شماره ۴۴۳۵۵ / تهران

■ روز یکشنبه ۳۱ خرداد ساعت ۱۲/۳۰ نیمه شب کمیته چی هسا و با سدارها سرای ایبا در عقب و وحشت در دل مردم در اکثر مناطقی تهران سمدت نیم ساعت تیراندازی هواسی کردند. آنها بی خبر از آنند که مردم قهرمان ایران دیگر به تیرو تفنگ عادت کرده اند

و این تلاش های مذبحو حانه بجاشی نخواهد رسید.

با زدره مین روز و بیهمین مقصود در شمیران نا بلندگسوا اعلام سبکردند که از ساعت ۹ شب حکومت نظامی است و تنهها نا شینها ئی که کارت ویژه دارند نمیتوانند بعد از ساعت ۹ حرکت کنند. طبعاً این کارها برای شمیرین حکومت نظامی در آتیه نزدیک است؛ تقلید احقانه ای از تلاشهای بی شمار هاری خاشن که ایضاً بی شماری خود را ثابت خواهد کرد.

■ طبق مشاهدات عینی و همچنین گفته یکی از ماوریسین کمیته (دوشنبه یکم تیر ماه) تنها در اوین دست کم سه هزار نفر طی روزهای اخیر گرفته و زندانی کرده اند، که ده نفر، ده نفر با زرسی میثوید و سقول خودشان "باگناها" فوراً اعدام و "سی گناها" آزاد میشوند. ما موران مسلح کمیته و زندان سطرز سبشرا نه ای با خا نواده هاشی که برای دیدار یا اعتراض به دستگیری فرزندان شان به زندان میخواستند بیاید در رفتاری میکنند؛ گاه و حشیا نه جا در از سردختران و زنان. مراجعه کننده میکشند و گاه آنها را سا دکتک میگیرند. در پز شکی قا نونی در همین روز مشاهده شد که سفیرا ۱۵ نفری که در آن روز یا روز بیشتر اعدام کرده بودند ۲۸ جنازه دیگر نا شناس موجود بود، که از این عده ۸ نفر آنها دختران جوانی بودند که سطرز فجیعی کشته شده بودند. یکی از شهیدای سسر علاوه بر شکنجه یک یا بیش هم قطع شده بود. مردم مرتاً آهسه و زمزمه و اروعدهای هم با صدای بلند و عصانسی از خمینی گرفته تا تمام دستگاه حکومتی را دشنام میدادند و ما دری خمینی را نفرین سکرد.

گرمایشان

(از شنبه ۲۳ خرداد تا شنبه ۳۰ خرداد)

■ شنبه ۲۴ خرداد حدود ۲۰۰ هزار هوا داران مجاهدین خلق و مردم در این روز از خیابان اربابی تا جوان شیر و از آنجا تا میدان آزادی (گاراژ) راه پیمائی کردند. و گویا در میدان قطعنا مه ای نیز خواننده شده است (حدود ظهر). در این روز درگیری مهمی پیش نمی آید و شعارها بر ضد حزب جمهوری و در حما بست از بنی صدر بوده است.

■ یکشنبه ۲۴ خرداد در ساعت ۷/۱۰ بعد از ظهر بیش از ۱۰۰۰ نفر از هوا داران مجاهدین شروع به دادن شعارهای ضد حزبی و حمایت از رشی جمهور میکنند و سپس از طرف جنوب میدان گاراژ بطرف شمال حرکت میکنند و در حوالی ایران ناسیونال مردم به آنها پیوسته و نزدیک به ۸۰۰ نفر میشوند. دیگر مردم تظا هرکنند. گان را سا کف زدن تشویق میکنند و بعضی بر سر آنها شیرینی میریزند و کارگران آن حوالی نیز از آنها حمایت میکنند. چما قدران حزبی به صفوف راه پیمایان حمله میبرند و بویسزه دختران را بشدت کتک میزنند. همچنین مردم و کارگران را که حمایت کرده بودند مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

■ دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مجدداً حدود چند صد نفر از هوا داران مجاهدین و مردم راه پیمائی میکنند (حوالی با سا ژنر) که با حمله چما قدران (بقیه در صفحه ۱۴)